چهره عدل مهدوي در ادعيه و زيارت امام مهدي(ع(

سيد منذر حكيم

اشاره:

فرهنگ مهدويت در اسلام با فرهنگ عدالتخواهي و عدالت گستري در جهان قرين بوده و از راههاي ادعيه و زيارتنامهها به گسترش و تعميق اين فرهنگ و تحكيم رابطه مومنان با رهبرشان توجه شاياني شده است و بدين ترتيب به تربيت و پرورش روح عدالتخواهي در ميان پيروان امام مهدي (عج) پرداخته و عدالت را به معناي گسترده آن در پرتو اهداف والاي حكومت الهي مهدوي مطرح نموده و از تك بعد نگري و توجه يك سويه به عدالت و عدالتخواهي پرهيز شده است.

عدالت مهدوي در متون ادعيه و زيارت نامهها چهرهاي تابناك و اميد بخش و حركت آفرين در طول تاريخ غيبت كبري داشته، و اميد ميرود كه اين روند بسترساز تحقق حكومت عدل جهاني امام مهدي(عج) باشد.

بخش يكم

1ـ فرهنگ مهدوي و عدالت خواهي

2ـ راههاي گسترش و تعميق فرهنگ مهدويت

3ـ تربيت انسانها و پرورش روح عدالتخواهي

4ـ نقش دعا و زيارت در تربيت بيداردلان

5ـ فرهنگ اهل بيت در ادعيه و زيارتنامهها

6ـ مهدويت و اهداف والاي حكومت مهدوي در ادعيه و زيارت نامهها

دورنماي عدالت مهدوي در ادعيه و زيارتنامهها

بنابراين، ركن اساسي در برنامه استقرار و گسترش عدل جهاني، پرورش روح عدالت خواهي در تمامي انسانها ميباشد كه اين روحيه ريشهاي عميق در درون داشته، اما در كنار رهبراني عادل و عدالت خواه و عدالت پرور بايد تحقق يابد از هر گونه انحراف در مسير حق جلوگيري نمايند و انسانها را با تمام وجود و شايستگي خود به قله قيام به قسط برسانند.

از اينجا متوجه ميشويم كه چرا در دعا و زيارتنامههاي مهدوي روي رهبري شايسته آن مصلح جهاني كه تجسم عدل الهي است تاكيد شده و ويژگيهاي خاص آن حضرت نشان داده شده تا توانائيها و لياقتهاي او برجسته و تحقق يافته تلقي گردد.

بخش يكم

چهره تابناك عدل مهدوي در متون اسلامي يكي از زيباترين و زيبندهترين تابلوهاي ترسيم شده براي انسانهاي عدالت پيشه و عدالت پرور و ستم زدا و ستم ستيز بوده و خواهد بود.

در متون ديني تمام اديان الهي و در ادبيات مكتبهاي عدالت شعار در طول تاريخ بشريت سخن از عدل جهاني و داد فراگير بسيار آمده است.

ولي در ادبيات اسلامي و به ويژه در ادبيات اهل بيت (ع) اعم از روايات و ادعيه و صلوات و زيارات ـ بسيار مفصل و خواندني و شنيدني و خواستني ميباشد.

1ـ فرهنگ مهدويت و فرهنگ عدالت خواهي

در ادبيات اهل بيت (ع) به پيروي از فرهنگ قرآن كريم اصل عدالت خواهي و ستم ستيزي يكي از عمده ترين اصول مورد توجه تمامي انبيا به ويژه خاتم پيامبران بوده و ميباشد.

(ليقوم الناس بالقسط( براساس (قائما بالقسط( ايزد منان و پروردگار رحمان ايدههاي كليدي در اهداف رسالتهاي الهي بوده، و تمام برنامههاي ديني اعم از اصول اعتقادي و اخلاقي و رفتاري و قوانين گسترده حاكم بر تمام ابعاد وجودي انسان براساس تحقق ((قيام ناس به قسط)) به معناي عدالت پروري بوده و نه صرف عدالت خواهي و عدالت گرائي آن هم به معناي بسيار محدود و مادي و زميني آن.

اسلام محمد(ص) شعار عدل و عدالت خواهي را از متن آفرينش الهي به درون جامعه و عموم انسانها ((ناس)) كشانده، و با تمام موانع و دستاندازهاي اختياري و عمدي ستمگران به جنگ و ستيز برخاسته تا حكومت عدل الهي را در سرتاسر جامعه بشري تحقق دهد. و اسلام عدل پرور را در تمام زمينههاي انساني و بشري و در تمام ابعاد وجودي انساني مجسم نمايد، و عدالت و اعتدال واقعي و همه جانبه را لباس وجود بر تن گسترده بشريت آراسته گرداند، و انسانها خود، و با تمام وجود و اختيار و آگاهي و به صورت طبيعي و منطقي و خودجوش و خودكار ((قائم به قسط)) گردند.

آيه شريفه قرآن فاعل يقوم را خود ناس و مردم قرار داده است كه اين نكته بيانگر رشد به تمام معناي كلمه مردم و ناس بوده كه خود به قسط و عدالت قيام كنند و عدالت را با دست خودشان در وجود خودشان حاكم گردانند.

تمام روايات زيباي پيامبر خاتم (ص) كه درباره طاووس بهشتي و چهره زيباي فرزند دلبند محمد (ص) و خاتم اوصياي او براي جامعه اسلامي و انساني تقديم گشته در يك جمله بسيار نغز و جالب مهدويت و عدالت خواهي و ستم ستيز را قرين هم قرار داده و مانند يك اصل و يك كليد، تقارن عدل فراگير و فلسفه وجودي امام مهدي (عج) را مطرح مينمايد.

لو لم يبق من الدنيا الا يوم لطول الله ذلك اليوم حتي يخرج المهدي من ولدي يملا الله به الارض عدلا بعد ما تملاء ظلما و جورا.1

سپيده دم عدل الهي براي جامعه بشري با خروج و قيام فرزند محمد (ص)، حضرت مهدي(عج) زيبا ميگردد و بشريت با انتظار چنين روزي بزرگ و خجسته در درياي پرتلاطم اميد بزرگ و شايسته بحران هاي ستم ستيزي و ستم زدائي را پشت سر گذاشته و مقدمات لازم براي رشد واقعي و احراز شايستگي چنين آرماني بزرگ در تلاشي خستگي ناپذير دوران هاي ظلمت را به سوي آينده نوراني و پر فروغ را ميشكافد تا غنچه عدل مهدوي آنطور كه شايسته اوست بشكفد و جهان بشريت با عدل الهي آراسته گردد.

بنابراين مهدويت مساوي عدالت خواهي و عدالت خواهي فراگير و جهان شمول به جز در سايه حكومت امام مهدي (عج) فرزند دلبند فاطمه(س) تحقق نخواهد پذيرفت.

و از اينجا به فلسفه وجودي يك جمله نغز ديگر ميرسيم كه: جهان در انتظار عدالت و عدالت در انتظار مهدي است.

2ـ راههاي گسترش و تعميق فرهنگ مهدويت

قرآن كريم فرهنگ عدالت خواهي و عدالت پروري و ستم ستيزي را در متن برنامههاي خود قرار داده است.

اما اين عدالت را آنطور كه خداي انسان ميخواهد بيان ميكند، بلكه يگانه هدف راستين هستي در جملهاي نغز بيان شده است كه به طور انحصاري عدالت پيشگي و استقرار عدالت در هستي فلسفه آفرينش و به چرخش در آمدن اين نظام حاكم بر هستي است.

((بالعدل قامت السموات والارض))2؛ فقط با عدل است كه آسمانها و زمين مسير منطقي خود را طي ميكنند و آراسته و استوار گرديدهاند)).

و خداي قائم به قسط در هر حال: (قائما بالقسط لاالهالا هوالعزيز الحكيم(3 عزت و اقتدارش همراه با قيام و به قسط ميباشد.

و براي رسيدن جامعه بشري كه تك تك افراد آن در طول دورانهاي حيات بشريت همگي از همه نوع هوا و هوس عدالت سوز و عدالت ستيز برخوردار بوده و افرادي محدود به رشد و بالندگي مطلوب رسيده در حاليكه اهداف خلقت در تحقق يك عدالت گسترده و جهاني بوده، برنامهاي گسترده بايد تدارك شود تا با تمام اين هوسها و آلودگيهاي طبيعي كه همزاد انسانهاست و مانع تحقق عدالت همه جانبه و گسترده ميباشد بجنگد و آنها را رام نمايد و عدالت حكومت عقل را بر ستمگري و ستمسازي هوي و هوس چيره گرداند و انسانها را با آگاهي كامل خواستار عدالت و دادخواهي برتر بنمايد.

تزريق آگاهي و گسترش و تعميق آن راههاي گوناگون و طولاني و پر حوصله ميخواهد تا انسانها بر خلاف طبع و ميل اوليه خود كه زاده هوي و هوسهاي همزاد خود ميباشد بر طبع عدالت پيشگي و دادخواهي و عدالت پروري تربيت شوند.

آيات نوراني قرآن كريم، و روايات و بيانات ارزشمند پيامبر خاتم(ص) و رهنمودهاي رهبران معصوم پس از پيامبر بهترين منبع و سرچشمه براي گسترش و تعميق آگاهي و آگاهي بخشي به انسانها در طول تاريخ بوده و ميباشد.

اضافه بر سيره امامان راستين و اهل بيت پيامبر (ص) يك موتور مولد و تربيت كننده براي انسانها طراحي شده و به وديعت نهادهاند كه دريايي از معارف در كنار امواجي از احساس و شعور و عاطفه را براي انسانهاي مستعد قرار دادهاند تا فرهنگ مهدويت در كنار فرهنگ عدالت خواهي به سوي اهداف بلند آن پيش رود.

گسترش اين دو فرهنگ و تعميق آن دو در وجود انسانها و تربيت و بازپروري انسان‌هاي هوس آلود به سمت عدالت خواهي و عدالت پروري در دعاهاي افتتاح، ندبه و صلوات ويژه عصر جمعه براي امام مهدي(عج) و زيارتنامههاي ويژه آن حضرت در كنار پرچم برافراشته امام مهدي(عج) در زيارت عاشوراي حسيني كه هر روز و همه وقت مطلوب و زيبنده خونخواهان حسين، فاطمه و محمد و علي(ع) ميباشد.

دعا و زيارتنامههاي ويژه حضرت مهدي(عج) از رنگ و بوي ويژهاي در زمينه عدالت‌خواهي و عدلپروري و ستمستيزي و ستم زدائي دارد كه فقط با خواندن و مرور هميشگي و چشيدن آب فرات و زلال اين باغچه پر ميوه محمدي و مهر علوي و سوز و گداز فاطمي به ثمر مينشيند و تربيتي تدريجي و مستمر، رادمرداني پرتوان و آگاه و پرسوز و گداز ميسازد تا در كنار مهدي فاطمه(عج) اهداف بلند آفرينش را جامه عمل بپوشانند، و انسانهاي روي زمين خود، قيام به قسط را بر دوش قامت خود آراسته نمايند.

3ـ تربيت انسانها و پرورش روح عدالت خواهي

در نهاد هر انساني ـ در منطق قرآن كريم ـ ريشه عدالت خواهي نهاده شده، و بذرهاي اساسي عدالت گرائي و ستم ستيزي پاشيده شده است.

در سورههاي نخستين قرآن، كه در مكه معظمه بر قلب پيامبر خاتم(ص) فرود آمده و در آغاز حركت پرخروش پيامبر اسلام (ص) بر تمامي جهانيان مطرح شده، هر انساني ساخته و پرداخته خداي عادل است. نفي او به گونه اي ساخته شده كه به طور همسان فجور و تقوايش به او الهام شده است اعتدال و انحراف از عدالت را در درون خود به خوبي ميبيند و مييابد و عدالت گرائي در نهاد او قرار داده شده است.

ولي گرايش همزاد به سمت فجور و انحراف نيز در وجود او تعبيه شده است تا با كمال آزادي و اختيار، راه صحيح را خود انتخاب كند. و با اين انتخاب خودش را بيابد و به دست آورد، و خود انساني شايسته و بايسته گردد.

آبياري روح عدالت خواهي، و پرورش روحيه عدالت پروري توسط قوانين الهي شايسته، و رهبران الهي ستم ستيز و ستم سوز كه تمام ستمها را از درون خود زدوده و مسير عدالت خواهي و اعتدال را درون خود طي كرده و اسوههايي شايسته در مسير عدالت پروري به بالندگي و رشد خود ادامه ميدهند، انسانها را در اين مسير بسيار سخت و پرسنگلاخ همراهي نموده و با الگودهي و راهنمائي و راهبري دست آنان را به دامان پر مهر عالت علوي و محمدي رسانده، و همان طور كه صداي رساي علوي در گسترش داد الهي فرمود:

((من ضاق عليه العدل فالجور عليه اضيق4)).

تمام كساني كه از داد و عدل در تنگنا قرار ميگيرند، ستم و ظلم بر آنان تنگتر و آنان را گرفتارتر خواهد نمود)).

4ـ نقش دعا و زيارت در تربيت بيدار دلان

دعا: رابطه مستقيم انسان با خدا، جوش و خروش دروني انسان آگاه و بيدار دل با آفريننده جهان و هستي بخش تمام موجودات، نقشي ويژه در تعميق مفاهيم و ارزشهاي ياد شده در متون ادعيه در درون انسان دعا كننده، و به جوشش درآورنده احساسات و عواطف مثبت او نسبت به خواستههاي يادشده كه از ارزشهاي الهي و معنوي انسان برخاسته است.

زيارت: رابطه مستقيم انسان زيارت كننده با امام يا پيامبر يا راهبر و راهنماي زيارت شده، كه نوعي گفتمان و گتفگوي خاضعانه و خاشعانه ميان انسان و خدا و زيارت شونده مي‌باشد كه تعهداتي و تصميماتي توسط انسان زيارت كننده مطرح و تثبيت ميگردد و بدينسان ارزشهاي مطرح شده در درون انسان كاشته شده و يا تعميق گشته و يا گسترش كمّي و كيفي در جامعه پيرامون پيدا ميكند.

با توجه به بعدهاي خودجوشي و پويندگي و رازداري و خلوص و صميميت و الگوگرائي در دعاها و زيارتنامههاي ويژه اهل بيت(ع) كه سراسر نغز، بليغ، پرمحتوا، عميق و برخاسته از مفاهيم و ارزشهاي قرآني است بيشترين نقش را در تربيت انسانهاي بيدار دل ميتواند ايفا كند.

5ـ فرهنگ اهل بيت (ع) در ادعيه و زيارتنامهها

فرهنگ اهل بيت (ع) همان فرهنگ اسلام راستين است كه فرهنگ قرآن كريم با سمت و سوي نبوي در آن تجسم كامل يافته است.

جامعيت، چند بعدي بودن، الگودهي، صراحت، حقانيت و ستم ستيزي، عدالتگرائي و عدالت پروري، شهادت طلبي، حق محوري، ايثار و از خودگذشتگي، نصيحت و پايداري و استقامت در باطل ستيزي و حق طلبي... از شاخصهاي روشن فرهنگ اهل بيت ميباشد كه در دعاها و زيارتنامههاي آنان به چشم ميخورد.

تاكيد بر الگو بودن اهل بيت رسالت و تجسم عيني ارزشهاي الهي در وجود و رفتار و كردار آنان و نياز مبرم انسان تكامل خواه و كمالگرا به رهبري و رهنمودهاي الهي آنان مهمترين ويژگي در ادعيه و زيارات است كه نشان دهنده ناموفق بودن كليه طرحها و برنامههاي فاقد ولايت و تولي آنان كه نشانهاي از ولايت الهي تجسم يافته در وجود و فرهنگ و ارزشهاي آنان ميباشد.

6ـ آرمانهاي بزرگ دين در ادعيه و زيارات مهدوي

ادعيه و زيارات ويژه امام مهدي (عج)، انسان را با شخصيت والاي حضرت مهدي (عج) آشنا ميسازد.

و پيوند با او را در درود فرستادن (صلوات) و درخواست حفظ وجود اين ذخيره الهي براي تحقق آرمانهاي بزرگ اسلام، از ايزد منان ـ خداي سبحان و پروردگار مقتدر و مهربان ـ خواسته ميشود و تحكيم بخشيده ميگردد.

آرمانهاي بزرگ دين كه در سايه رهبري مهدي آل محمد(عج) و ذخيره خدا براي تمام امتها تبيين ميشود، آرمانهاي الهي و خواستههاي برتر انساني و ايدههاي كمال يافتهاي است كه انبياي الهي در طول تاريخ آنها را مطرح و تبليغ نموده و اميد تحقق آنها را در دل انسانهاي وارسته و پيشرفته و كمالگرا كاشته و آبياري نمودهاند.

رابطه عميق شخصيت والا و بزرگ امام مهدي(عج) با اهداف بزرگ دين رابطهاي منطقي و تنگاتنگ بوده به گونهاي كه تحقق آن آرمانهاي بزرگ بدون وجود اين شخصيت عظيم و ذخيره شده امكان پذير نبوده، و طول عمر و موفقيت همه جانبه امام مهدي(عج) از دغدغههاي مهم ياران و منتظران دلباخته او ميباشد.

وظايف منتظران نسبت به شخص امام مهدي(عج) و نسبت به آرمانهاي او، و همچنين وظايف منتظران نسبت به آراسته خود به صفات و توانمندي كه آنان را براي شهادت و دلباختگي و ايثار و ياري همه جانبه او آماده ميسازد از جمله خواستههاي مهم و قابل توجه در اين دعاها و زيارات ميباشد.

عدالتخواهي و عدالت گستري و ستم ستيزي و ستم زدائي در پرتو اهداف و آرمانهاي بزرگ الهي مطرح ميشود، و چهره عدالت از چهرهاي مادي و محدود به چهرهاي تابناك و همه جانبه و زيبا و شفاف درآمده، و زمينههاي اين عدالت و ابعاد و درجات آن نيز در برنامه ياران منتظر، و در فكر و ذكر بيداردلان عاشق مهدي(عج) تبلور يافته. و آنان را براي تحقق كامل ارزشهاي الهي در حكومت مهدوي آماده ميسازد.

در سخني كوتاه: ترويج عبوديت حق، و عبوديت همه جانبه و در تمام ابعاد زندگي و در بالاترين سطح از رشد و كمال انساني: (يعبدونني لايشركون بي شيئا(5 در حالي كه به قدرت ميرسند فقط خدا را عبادت ميكنند و از هر گونه شركي جامعه آنان پاكسازي ميشود، اين بزرگترين و رساترين آرمان براي يك جامعه انساني است كه عدالت شاقول و محور اصلي آن ميباشد كه تجليات اين عدالت در تمام ابعاد زندگي خواهد بود. و اين عدل فراگير و جهاني ويژه حكومت عادله و عدالت پرور امام مهدي (عج) خواهد بود.

او تمام مستكبران كافر و ستمگر را خوار و ذليل ساخته و عدل برتر را در طول و عرض (يعني سرتاسر جهان) ميگستراند: ((وناشر العدل في الطول والعرض)).6

او امام و راهبر هدايت يافته الهي است كه در شعار و در عمل مورد تاييد الهي بوده و زمين را از داد و قسط فراگير مينمايد پس از آنكه از ظلم و ستم پر ميشود:

و اشهد أنك الامام المهدي قولا و فعلا و انت الذي تملا الارض قسطا و عدلا بعد ما ملئت ظلما و جورا.7

قرآن كريم كه در بردارنده نظام كامل الهي و نسخه عدل فراگير براي جهان بشريت ميباشد، با تحقق و تجسم او، عدل مورد انتظار انسانها، و آرزوهاي زيبا و والاي بشريت براي جامعه انساني تحقق مييابد.

به همين دليل دعوت به كتاب خدا، و اجراي تمام فرمانهاي او اولين و آخرين خواسته مهدي گرايان و پارسايان و بيداردلان ميباشد.

اللهم اجعله الداعي الي كتابك و القائم بدينك، استخلفه في الارض كما استخلفت الذين من قبله، مكّن له دينه الذي ارتضيته له. ابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لايشرك بك شيئا.8

بار الها او را دعوت كننده به كتاب خودت (قرآن) قرار ده، و او را قائم به دينت نموده، او را در تمام زمين قدرت و مكنت و خلافت عطا فرما همانطور كه به پيشينيان او قدرت بخشيدي و دين او را به اجرا درآوردي و با قدرت تمام آن را پاس بدارد. ديني كه براي او انتخاب نمودهاي، و او را به جاي ترس، امنيت ببخش به گونهاي كه تو را عبادت كند و هيچ گونه شريكي براي تو قرار ندهد.

و بدينسان توحيد مطلق در كنار رهائي از هر گونه شرك تجسم عدل مورد انتظار امتها خواهد بود.

سپس آشنا شدن به تمام ابعاد اين دين حق، و رهائي از هر گونه قصور و تقصير ( هرگونه كوتاهي و كوته فكري) مورد درخواست از خداي توانا قرار ميگيرد و رهبري امام مهدي (عج) يگانه راه رسيدن به چنين آرماني بزرگ معرفي ميشود:

اللهم ما عرفتنا من الحق فحمّلناه و ما قصرنا عنه فبلّغناه

اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا و ارتق به فتقنا... .9

بار الها آنچه را كه از حق به ما شناساندهاي توانائي بر حمل آن عطا فرما، و آنچه را ناتوانيم توانائي عطا فرما و توان فهم آن را به ما لطف فرما. بار الها به وسيله مهدي (عج) ما را از تفرقه و پراكندگي درآور. و دلهاي شكسته ما را و شكستگيهاي جامعه ما را التيام بخش و خلاءها و آسيبها را بزدا....

انتظار ظهور امام مهدي (عج) در حقيقت انتظار ظهور حق بر دست اوست، همانطور كه در زيارت امام مهدي (عج) آمده است.

عجل الله لك ما وعدك من النصر و ظهورالأمر... وانتظر ظهورك و ظهور الحق علي يديك.10

اي مهدي حجت خدا در زمين او و نور خدا در ميان خلق او. خداوند عملي شدن وعدههايي از پيروزي و قدرت كه به تو داده، هر چه زودتر تحقق بخشد... و من در انتظار ظهور تو و ظهور حق بر دستان تو به سر ميبرم.

و در فرازي از صلوات روايت شده از امام مهدي (عج) براي روز جمعه كه به ابوالحسن ضراب رسانده شده بود اين چنين ميخوانيم:

اللهمّ نوّر بنوره كل ظلمة... واقصم به كلّ جبّار... و اهلك بعد جور كلّ جائر...11

بار الها با نور مهدي (عج) هرگونه تاريكي را در اين جهان ـ و جامعه بشري ـ روشن و نوراني بنما ... و كمر هر ستمگر و جباري را بشكن ... و با عدل و داد او ستم هر ستمگري را ريشه كن فرما.

------------------

پي نوشت ها :

1 . كمال الدين، صص 318، 373، 377 و 577 .

2 . عوالي اللئالي، ج 4، ص 104.

3 . آل عمران، 18.

4 . نهج البلاغة، خطبة 15.

5. نور، 55.

6. سيد علي خان، فرازي از استغاثه به امام مهدي(عج) در ((الكلم الطيب))، مفاتيح الجنان باب اول، فصل هشتم.

7. همان.

8. فرازي از دعاي معروف افتتاح كه در هر شب از شبهاي ماه مبارك و در شب قدر نيز خوانده ميشود. (مفاتيح الجنان، باب دوم فصل سوّم).

9. همان.

10. فرازي از زيارت روز جمعه ويژه امام مهدي (عج). (مفاتيح الجنان باب اول فصل چهارم).

11. فرازي از صلوات ويژه عصر جمعه، (مفاتيح الجنان، باب اول فصل چهارم).